

گزارش کارگاه میراث فرهنگی برای کودکان

هویت تاریخی ما



قدسیه موسوی

گوته شاعر آلمانی زمانی گفت: «کسی که از سه هزار سال بهره نگیرد، تنگناست به سر می برد.» دلم نمی خواهد تو به چنین وضع اسفناکی بیفتی. هرچه از دستم برآید می کنم تا تو با ریشه های تاریخی ات آشنا شوی. این تنها راه آدم شدن است. تنها راه فراتر رفتن از میمون برهنه است. تنها راه جلوگیری از سرگردانی در فضای لایتناهی است.

سوفی مدتی نشست و از سوراخ های ریز پرچین، خیره به باغ نگریست. رفته رفته داشت می فهمید چرا این اندازه اهمیت دارد ریشه های تاریخی خود را بشناسد. او خود دختری معمولی است ولی اگر ریشه های تاریخی خود را بشناسد کمی کمتر معمولی خواهد بود. در این کره ی خاکی چندسالی بیشتر نخواهد زیست، ولی اگر تاریخ بشریت تاریخ حیات خود اوست، وی به تعبیری زنی چند هزار ساله است.

در تابستان امسال، طرح اولیه و آزمایشی کارگاه «آشنایی با میراث فرهنگی، تاریخ و معماری برای کودکان» برای تعداد محدودی کودک داوطلب، برگزار شد. ما، من به عنوان طرح و مدرس کارگاه، محدثه میرحسینی و محمود اخوان مهدوی به عنوان پیشنهاد دهنده، مشاور و همکار در اجرای کارگاه، ساعت هایی به تناوب از زمستان سال ۹۳ تا تابستان ۹۴ دور هم نشستیم و درباره عقاید شخصی مان درباره ی تاریخ، الزام وجود چنین دوره هایی و چگونگی برگزاری آن، تجربه های مشابه

«کارشناس ارشد فیزیک

در ایران و جهان، سن مطلوب شرکت کنندگان، نکاتی که باید در کارگاه مطرح شود، دستاوردهای چنین کارگاهی و بسیاری چیزهای دیگر گفتگو کردیم اما نقل قول بالا از کتاب معروف «دنیای سوفی» که به تازگی مشغول خواندن آن هستیم، به زیبایی و نغزی و به دور از هرگونه منطقی‌گرایی و استدلال علمی و به دور از تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی سرزمین‌ها، خوانندگان خود را متقاعد می‌کند که خواندن تاریخ، «شایسته» است ...

ابتدا قرار بود عنوان کارگاه فقط آشنایی با میراث فرهنگی باشد، اما به شکلی اجتناب‌ناپذیر و به حق، با تاریخ و معماری نیز آمیخته شد. معماری کالبد تاریخ است. سخنگوی حاضر و ناظر اندیشه‌هایی است که صاحبان‌شان از سخن گفتن قاصرند و واسطه‌هایی هستند عینی، ملموس، گویا و خموش از آن‌چه این سرزمین و پدران و مادران ما پشت سر گذاشته اند:

در کارگاه کوزه‌گری رتم دوش

دیدم دوهزار کوزه گویا و خموش

ناگاه یکی کوزه برآورد خروش

کو کوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه‌فروش

نمی‌شد که میراث فرهنگی را بدون تاریخ و تاریخ را بدون نشانه‌های آن بررسی کرد و خواند ... و این‌گونه شد که عنوان کارگاه شکل گرفت و ترکیبی از هر سه مبحث شد.

تاریخ تنها کلمه‌ای از عنوان کارگاه است که در سرفصل‌های آموزش رسمی مدارس، از سنین کودکی موجود است. کودکان عموماً از شنیدن داستان‌های گذشتگان لذت می‌برند. از آن‌جایی که شیوه آموزش تاریخ برای آن‌ها در حد ذکر سال‌های پیدایش و سقوط سلسله‌های پادشاهی، لشکرکشی‌ها و عصیان‌ها و انقلاب‌هاست و پرسشی درباره دلایل و ریشه‌های اتفاقات به میان نمی‌آید، تصمیم گرفتیم تا حد امکان تاریخ را تحلیلی و منطقی‌ای بخوانیم.

بررسی دوره تاریخی حکومت قاجاریه، از زمینه‌های پیدایش و شکل‌گیری تا به حکومت رسیدن پهلوی اول را، به دلیل وجود نشانه‌های تاریخی موجود آن در شهر و نیز ریشه‌هایی که این سلسله در شهر استرآباد داشتند، برگزیدیم. همچنین تلاش کردیم تا شرکت‌کنندگان بتوانند تصویری فضایی از هسته‌ی اصلی شهر بیابند و تغییرات و تحولات شکل گرفته در تبدیل آن به یک شهر یا ماهیتی متفاوت از گذشته‌اش را درک کنند. آموزش، با بازی و سرگرمی و بازدیدهای میدانی همراه شد تا مباحث مطرح شده مورد توجه مخاطبان دوست‌داشتنی ما قرار گیرد. در نتیجه، در هر جلسه‌ی کارگاهی، گوشه‌ای از تاریخ قاجار به شیوه‌های مختلف، روایت می‌شد و در جلسه بعدی، که

جلسه‌ای میدانی بود، به ملاقات تاریخ در محله‌های بافت تاریخی می‌رفتیم و در مجموع ۴ جلسه کارگاهی و ۴ جلسه میدانی برگزار شد.

در این میان، نکته‌ای خاص بسیار چشمگیر بود: نبود منابعی اضافه برای مطالعه کودکان! منابع مکتوب ما برای بزرگسالان به نگارش درآمده‌اند. به سختی می‌توان کتاب‌هایی را نام برد که در این حوزه برای کودکان و نوجوانان به نگارش درآمده باشد. در میان عناوین بسیار متنوع کتاب‌های ریاضی، علوم، ادبیات و انواع اطلس‌های جغرافیایی موجود در بازار، فقدان کتاب‌های تاریخی برای کودکان قابل توجه است. شاید این نکته مهم را شرکت کنندگان کم سن و سال ما یادآور شدند. زمانی که از آن‌ها می‌خواستیم مطلب کوچکی درباره‌ی یکی از شخصیت‌هایی که درباره آن‌ها صحبت کرده‌ایم تهیه کنند و آن‌ها شاکتی بودند که منبعی برای خواندنِ بیشتر، در اختیار ندارند و از کتاب‌های تاریخِ بزرگ‌ترها چیزی سر در نمی‌آورند.

در ابتدا که به شیوه اجرای مباحث فکر می‌کردیم، مطمئن نبودیم که موضوعات چه قدر برای شرکت‌کنندگان می‌تواند گیرا باشد، اما آن‌ها به شکل خوشایندی در مباحث شرکت کردند و ما را تحت تأثیر نکاتی که برای‌شان جالب بود، قرار دادند.

نتیجه کار برای ما قابل توجه بود و به ادامه کار، با برطرف کردن اشکالات و ارتقای شیوه‌های اجرا و افزودن یا کاستن مباحث، پایبندیم و امیدواریم که این کارگاه به یک روال و سنت آموزشی تبدیل شود و ادامه یابد.

تصور این‌که کودکان می‌توانند ریشه‌های تاریخی خود را دریابند و تجربیاتی چند هزارساله را در آینده میراث فرهنگی درک کنند و احساساتی کهن را مورد بازخوانی قرار دهند، مایه‌ی مباهات بود. مطالعه تاریخ؛ هویت را ارتقا می‌بخشد و قضاوت و تصمیم‌گیری را آسان می‌کند. به ما یاد می‌دهد شهروندان نیکو و مسئولی باشیم، از اشتباه دیگران درس بگیریم، توسعه اجتماعی را ارج نهمیم و به آن کمک کنیم. خود و دیگران را درک کنیم و بفهمیم و پیوندهای بین خود و سرزمین‌مان را تجدید و تقویت و ترمیم کنیم.

لازم می‌دانم از کتابخانه میرداماد به‌علت در اختیار گذاشتن فضای لازم برای جلسات کارگاهی، تشکر کنم و نیز قدردان محدثه میرحسینی و محمود اخوان‌مهدوی باشم که در اوج مشغله‌های کاری مربوط به مرمت تکایا، همگام و همراه بوده‌اند. بدون حضور آن‌ها تصور برگزاری کارگاه‌ها ممکن نبود. از الهه عرب‌عامری به خاطر حضور دلگرم‌کننده‌اش در جلسات بی‌نهایت ممنونم.